

ولیکن در خارج این دایره بعضی مقننین بزه سیاسی را تعریف کرده اند مثلاً در باب استرداد بزه کاران از آیین دادرسی کیفری در قانون آلمان (قانون ۱۹۲۹ ماده ۳) بزه سیاسی باین نحو تعریف شده: بزه سیاسی هر عمل قابل کیفری است که برضد اساس کشور یا امنیت آن یا برضد رئیس کشور یا برضد یکی از اعضاء حکومت از آنجهت که عضو حکومت است یا برضد مجلس مؤسس یا برضد حقوق سیاسی انتخاب کنندگان یا انتخاب شده یا برخلاف روابط حسنه با بیگانگان ارتکاب شود.

جز در يك مورد فوق فکر تعریف کردن جرم سیاسی بتعریف جامع و مانع از طرف مقننین تعقیب نشده لکن طریقه فهماندن معنی جرم سیاسی بوسیله شمردن اعمال در قانون فرانسه (قانون سال ۱۸۳۰) ملاحظه میشود. در ماده ۷ آن قانون میگوید: جرایم ذیل سیاسی نامیده میشوند:

- ۱ - جرائم مذکوره در فصل اول و دوم از باب اول از کتاب سوم قانون کیفر عمومی.
- ۲ - جرائم مذکور در قسمت ۳ و ۷... تا آخر در اینجا این بحث هم شده که آیا ذکر این بزه ها بعنوان حصر است یا اینها نمونه هایی است که از روی آنها معنی کلی بزه سیاسی بدست آید ولیکن این بحث امروز بی مورد است زیرا در قوانین متأخر فرانسه بعضی بزه های دیگر نیز بزه سیاسی نامیده شده.

بشاشده که مقننین بعمل کردن مسئله بطور غیر مستقیم اکتفا کرده اند مثلاً قانون بلژیک نه بزه سیاسی را تعریف میکند و نه می شمارد و باین نمیتوان گفت در قانون بلژیک بزه سیاسی نیست زیرا ماده ۹۸ قانون اساسی آنهارسیدگی بزه سیاسی را با حضور هیئت منصفه مقرر کرده - وهم چنین در قوانین متأخر خود بعضی بزه ها را بوسیله دخالت دادن هیئت منصفه هر چند کیفرش حبس تادیبی باشد یا بوسیله تعیین کردن کیفری که برای بزه سیاسی تعیین میشود در ردیف بزه سیاسی داخل کرده اند - در کشورهای اسکانندیناوی (سوئد و نروژ و دانمارک) نیز رویه کاملاً شبیه باین برقرار است و در همه اینها نه تعریفی از بزه سیاسی شده و نه تعدادی بعمل آمده مثلاً در ماده ۷۲ قانون اساسی دانمارک رسیدگی ببزه سیاسی را بیهیئت منصفه واگذار میکند اما نه در قانون کیفر عمومی و نه در سایر قوانین آنها ذکر نشده که بزه سیاسی کدام است - در انگلستان عنوان بزه سیاسی جز در موضوع استرداد مجرمین ذکر نشده - همچنین در اصطلاحات قانون جزائی اسپانیا (سال ۱۹۲۸) از بزه سیاسی نامی نبرده اند

حال که بزه سیاسی از طرف مقننین تعریف نشده باید معنی آنرا در آراء و نظریات علمای حقوق جستجو کرد. حسن مشکان طبسی

داشتن حساب در بانک

دو ستن پول میکند و باقسام مختلف سرمایه خود و پولهایی را که دیگران بان سپرده اند بانرخ معینی وام داده و بانرخهای ارزانتری از سرمایه داران وام میگیرد و سپرده قبول مینماید عموماً وام گرفتن بانک از مشتریان

۱ - مقدمه

بانک بنگاه تجارتمی است که موضوع تجارت آن پول یا اسنادیکه جانشین پول هستند میباشد و مانند يك نفر بازرگان که کالا خرید و فروش مینماید بانک نیز

۱۴ - قرارداد معاملات ارزی و بورسی و غیره .
در اجرای کلیه قراردادهای فوق معمولاً مشتری در نزد بانک یک یا چند حساب باز میکند و ماذیلاً بطور اختصار شرایط باز کردن حساب و انواع حسابها را ذکر می‌نمائیم .

۲ - شرایط باز کردن حساب

باز کردن حساب چنانکه گفتیم عبارت از عقد قرارداد کتبی یا ضمنی است که صاحب حساب با بانک برای انجام معاملات و داد و ستدهای خود می‌بندد بنابراین این شرایط باز کردن حساب همان شرایط اهلیتی است که در عقد قراردادها لازم است :

هرگاه شخص رشیدی حساب (۱) نزد بانک باز کند و بعداً محجور گردد بمحض فقدان اهلیت حساب او بسته خواهد شد زیرا منظور از داشتن حساب داد و ستدهای و مدام در مدت وجود حساب است در صورتی که شخص محجور اهلیت معامله ندارد و طبق ماده ۲۲ قانون مدنی معاملات باشخص محجور باطل است ولی بانک حق تقاضای بطلان آنرا ندارد و در مورد حسابها نمیتواند مدعی بطلان معامله شود و فقط صاحب حساب ممکن است دعوی بطلان کند بنابراین اگر شخص محجور از بانک وامی بگیرد معامله او باطل بوده برخلاف اگر بانک مبلغی از موجودی حساب بار بدهد اصولاً ذمه بانک نسبت بان مبلغ بری نخواهد شد .

ممکن است بانک تا مدتی از حجر مشتری اطلاع پیدا نکند باید دید معاملاتیکه در مدت اخیر انجام داده چه صورت دارد .

چنانکه گفتیم باز کردن حساب نوعی از دادوستد و معامله میباشد و چون شخص محجور اهلیت معامله ندارد قرارداد باز کردن حساب (کتبی یا ضمنی) بمحض فقدان اهلیت صاحب حساب بخودی خود باطل می‌شود

۱ - برای تعریف حساب و انواع آن ب قسمت ۳

مراجعه شود .

خود بصورت سپرده و باز کردن حساب و وام دادن آن بشکل تنزیل بروات است و این دو معامله قسمت عمده عملیات بانکها را تشکیل میدهند .

همچنین بانکها در برابر کارمزدهای مختصر خدمات زیادی برای مشتریان خود انجام میدهند مانند وصول حواله‌های آنها عهده نقاظ دور دست - پرداخت بحساب آنها در آن نقاظ - خرید و فروش اوراق بهادار بحساب مشتریان - نگهداری اوراق و اسناد و اشیاء بهاء دار آنها - اجاره صندوقهای آهن و امثال آنها که هر یک از این عملیات را اگر مشتریان مستقیماً انجام دهند هزینه های زیاد را متحمل خواهند شد در صورتیکه بوسیله بانکها کارمزد مختصری می‌پردازند .

عملیات مزبور طی قراردادهای گوناگون صورت می‌گیرد که گاهی رسماً بصورت قرارداد تنظیم و بامضای طرفین میرسد ولی غالباً بجای قرارداد بیک تقاضا نامه که بامضای مشتری رسیده باشد و یا بامضای يك ورقه از شرایط عمومی بانک توسط مشتری اکتفاء میشود .

عمده ترین قرارداد هائیکه بین بانک و مشتریان بسته میشود بقرار ذیل میباشد :

- ۱ - قرارداد سپرده .
- ۲ - قرارداد وام .
- ۳ - قرارداد وکالت .
- ۴ - قرارداد اجاره اشیاء .
- ۵ - قرارداد اجاره خدمت .
- ۶ - قرارداد حق العمل کاری .
- ۷ - قرارداد وثیقه .
- ۸ - قرارداد بیمه .
- ۹ - قرارداد تضمین .
- ۱۰ - قرارداد خرید .
- ۱۱ - قرارداد فروش .
- ۱۲ - قرارداد تنزیل .
- ۱۳ - قرارداد حساب جاری .

یعنی از آنتاریخ ببعد حسابی وجود نخواهد داشت و چنین بنظر میرسد که اگر بانکدار پرداختها و برداشتهای بعد از آن تاریخ را وارد حساب کند عمل باطلی انجام داده و هر یک از پرداختها و دریافتها را باید جداگانه در نظر بگیریم بدینطریق که پرداختهای مشتری را جزو بدهی بانک باو محسوب داشته ذمه بانک را در مقابل پرداختهاییکه از حساب کرده است مشغول بدانیم واضح است اجرای این نظر مشکلات زیاد در عمل تولید می کند و بانک را مجبور میسازد دائماً مراقبت از وضع شخصیت حقوقی مشتریان خود کند و چون با تعداد زیاد مشتریان یک بانک اینعمل غیرممکن است و از طرف دیگر هر گاه بمحض بروز کوچکترین سوءظن بانک از پرداخت پول بمشتری خود داری کرده شروع بشقیقات نماید اینعمل لطمه شدید بسرعت عملیات بانک وارد می آورد در اینگونه مواقع باید حسن نیت بانک را مورد نظر و درجه سهل انگاری و غفلت آنرا مأخذ قرار دهیم و چون خوشبختانه تعداد صاحبان حسابی که مجبور می شوند زیاد نیست اینگونه اشکالات در بانکها کمتری پیش میآید و بملاوه محاکم در همه کشورها همان حسن نیت و دقت بانکرا در انجام معامله مأخذ قرار میدهند و چنانکه ذیلا خواهیم دید بانکها نیز احتیاطهای لازم را رعایت مینمایند بدینقرار هر گاه شخص نابالغی در بانک حساب باز کند بدهی او بآنک قابل مطالبه نخواهد بود اگر چه شخص مزبور شفاهاً خود را بالغ معرفی کند ولی اگر اسناد جعلی برای اثبات رشد خود ارائه دهد بطوریکه ظاهراً آن اسناد صحیح بنظر آیند بر بانک ایرادی نخواهد بود.

برای رفع اشکالات فوق بانکها قبل از باز کردن حساب و در طی معامله احتیاطهای لازم را رعایت کرده بطریق ذیل رفتار مینمایند:

۱ - برای اطمینان از هویت مشتری ورقه شناسنامه مطالبه و حتی المقدور قبل از باز کردن حساب از درخواست

کننده معرف خواسته میشود. (۱)

۲ - رشد و اهلیت تقاضا کننده مورد بررسی قرار میگیرد.

۳ - چند نسخه نمونه امضای صاحب حساب یا وکیل ثابت الوکاله او که حق برداشت از حساب دارد گرفته میشود و فقط در برابر چک یا حواله هاییکه امضای مزبور را دارا باشد پرداخت بعمل میآید.

۴ - در مورد اشخاص بیسواد بجای امضا مهر انگشت را گرفته و عکس صاحب حساب نیز ضمیمه پرونده او می شود.

احتیاطهای فوق گرچه از سرعت باز کردن حسابها قدری میکاهد ولی در عوض بعداً عمل حسابها و برداشت و پرداختها را با سرعت و اطمینان میتوان انجام داد.

۵ - ادارات دولتی طبق ماده ۵۸۷ قانون تجارت دارای شخصیت حقوقی میباشند و میتوانند در بانک حساب باز کنند اشخاصیکه حق برداشت از حسابهای دولتی دارند معمولاً از طرف وزارت متبوعه یا ادارات مرکزی آنها معرفی میشوند ولی رئیس محلی میتواند امضای جانشین خود را معرفی کند و بدینطریق پس از باز کردن حساب دیگر احتیاجی بمراجعه با اداره مرکزی آن نخواهد بود.

شهر داربها نیز طبق ماده نامبرده قانون دارای شخصیت حقوقی هستند و بانکها بدرخواست آنها برای باز کردن حساب مانند ادارات دولتی ترتیب اثر میدهند.

۶ - در مورد شرکتها مقررات اساسنامه شرکت و امضای مجاز آن نیز رسیدگی و فقط امضای وکلای

۱ - در صورتیکه بانک از خوش حسابی و درستی کسی مطمئن نباشد از باز کردن حساب برای او خود داری می نماید زیرا چنانکه گفتیم باز کردن حساب نوعی از معامله و بستن قرارداد است و بانک مختار است انعقاد آنرا قبول ننماید.

حسابهای دیگر او بیش از مبلغ چک موجودی داشته باشد. (۱)

همچنین ممکن است صاحب حساب طی قرارداد مخصوص (که غالباً با نوشتن يك نامه ساده از طرف مشتری ببنانك صورت میگیرد) ثبت بعضی از عملیات خود را در حسابجاری منع کند مثلاً ثبت عملیات بورس یا نگهداری اوراق بهادار یا معاملات ارز و سیم را وارد حساب ننکرده و جداگانه ثبت کند ولی صاحب حساب نمیتواند قرار داد کند کلیه عملیات او وارد حسابجاری شود بدون اینکه مطالبات و بدهیها پایای نمایند و چنین قراردادی اصلاً باطل است (۲) ولی اگر مشتری برای دادوستد با بانك يك حساب جاری باز کند و پس از آن بروات و اسناد و چکهای برای وصول بحساب خود بانك تسلیم نماید بانك حق ندارد اوراق مزبور را در حسابهای جداگانه وارد کند و موظف است در حسابجاری موجود مشتری ثبت برساند (مگر آنکه از طرف مشتری تصریحی در اینباب شده باشد) و هرگاه مثلاً بانكدار بروات مزبور را در حساب مشتری که بدهکار بوده وارد نکرده از راه نادرستی تلف نمود و ورشکست گردید در ضمن تصفیه نمیتوان مشتری را برای پرداخت مانده بدهکار حسابش بدون در نظر گرفتن بروات ثبت نشده تعقیب نمود چون هر گیرنده پول یا سندی موظف است مبلغ آنرا وارد حساب موجود طرف پردازنده بنماید و از باز کردن حساب جداگانه خودداری کند مگر آنکه شخص اخیر دستور دیگری داده باشد.

باید دانست که اگر اقدام بتوقیف دارائی مشتری شود فقط مانده پایای شده حسابهای او را میتوان از

۱ - برای شرح مفصل تر راجع بچک و موجودی حساب رجوع شود بشماره های... مجموعه حقوقی راجع بچک نگارش حسن رستار.

۲ - زیرا شرط مزبور حساب را از صورت حساب جاری خارج میکند.

رسمی شرکت را قابل قبول میدانند.

۷ - برای شرکتهای در حال تأسیس بدرخواست مؤسسين حسابهای موقتی برای پذیرفتن حق الشراکه باز میشود پس از تأسیس شرکت مبلغ دریافتی بدستور مؤسسين بحساب شرکت منتقل میگردد و اگر تمام سرمایه تعهد نشد و شرکت تأسیس نیافت مبلغ دریافتی بدستور مؤسسين بپرداخت کنندگان مسترد میگردد ولی اگر مؤسسين از دادن دستور استرداد پولها خود داری نمایند بانك حق استرداد ندارد و پرداخت کنندگان باید بوسیله محاکم اقدام کنند زیرا در قانون تجارت مامدت و ضرب الاجلی برای رسمیت تأسیس شرکت از روز شروع بتعهد حق الشراکه تعیین نشده است.

۸ - چنانچه مشتری در نزد بانك حسابهای متعدد باز کند ناچار برداشت ها و پرداختهای هر حساب جداگانه صورت خواهد گرفت و بدین طریق بتعداد حساب ها طلب یا بدهی بوجود خواهد آمد بطوریکه بانكدار حق نخواهد داشت مانده حسابهای مزبور را پایای کرده و بصورت یک رقم بدهی یا طلب در آورد و مانده هر حساب باید جداگانه مورد مطالبه واقع گردد

مثلاً اگر یکی از حسابها بدهکار باشد و صاحب حساب چکی عهده حساب دیگری که موجودی دارد بکشد بانك موظف است چک را پرداخت کند و نمیتواند بعد از بدهکار بودن حساب دیگر از پرداخت چک خود داری نماید اگر چه بدهی حساب اول از مانده بستانکار حساب دوم هم بیشتر یعنی مشتری جمعاً بانك بدهکار باشد (۱) بالعکس اگر صاحب حسابهای متعدد چکی عهده کسی از حسابهای خود که فاقد موجودی است بکشد مشمول ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر خواهد شد اگر چه

۱ - ماده ۵۱ قانون اساسنامه بانك ملی ایران مصوب ۲۲ مرداد ۱۳۱۷ استثنائاً در مورد مطالبات بانك ملی و در صورت توقیف یا اعسار مشتری این حق را برای بانك ملی ایران قائل شده است.

در نزد مرکز اصلی بانك باز کرده باشد زیرا شخصیت حقوقی بانك از خود بانك متمایز نمیباشد و بدین طریق تمام بانك در برابر مشتری مسئول هر يك از حسابهای او میباشد و مشتری میتواند مانده حساب شعبه بانك را از مرکز اصلی آن مطالبه کند.

پس از باز کردن حساب مشتریان از بانك انجام عملیات مختلف تقاضا کرده و بانكها معاملات گوناگون برای آنان انجام میدهند که عمده ترین آنها بقراردیلند:

۱ - باز کردن حساب جاری

۲ - دریافت پول از مشتری

۳ - پرداخت ب مشتری

۴ - وصول برات و حواله های مشتری عهده

اشخاص ثالث

۵ - برگردان (Virement) از حساب مشتری

ب حساب دیگران و بالعکس

۶ - قبول سپرده های ثابت مدت دار

۷ - انتقال پول ب نقاط دیگر بابت حساب مشتری

۸ - تنزیل بروات تجارتي

۹ - خرید بروات و حواله ها و چك عهده کشور

های بیگانه

۱۰ - فروش چك و حواله عده کشورهای بیگانه

۱۱ - فروش اعتبارنامه های مسافری و چك قابل

پرداخت در همه جاهائیکه بانك شعبه یا کار گزار دارد

۱۲ - دادن وام باعتبار کالا با اوراق بهادار و غیره

۱۳ - باز کردن اعتبار تجاری قطعی یا در حساب

جاری

۱۴ - وصول برش (Coupon) اوراق بهادار و

خرید و تنزیل آنها

۱۵ - نگهداری اوراق و اسناد و اشیاء و فلزهای

گرا نیهای مشتریان

۱۶ - اجاره صندوقهای آهن

بانك مطالبه کرد (۱) و برای تعیین این مانده تمام حسابهای مشتری حتی آنهاییکه بانام عوضی یا فقط با نشانی مخصوص بدون ذکر نام او در بانك باز شده اند در نظر گرفته میشوند. (۲)

۹ - ممکن است دویا چند نفر با هم يك حساب

در بانك باز کنند در اینصورت طبق درخواست کتبی که در موقع باز کردن حساب بیانك میدهند برداشت از حساب بامضای هر دوی آنها بوده و یا هر يك جدا گانه حق برداشت از حساب را خواهند داشت.

این حسابهای دویا چند نفری در صورت فوت یکی از صاحبان حساب بسته میشود و مبلغ آن در برابر رسیدی که بامضای سایر صاحبان و ورثه متوفی رسیده باشد تحویل میگردد.

تقسیم موجودی حساب بر طبق اسنادیکه ورثه متوفی و سایر صاحبان حساب ارائه میدهند صورتی گیرد و چنانچه اسنادی در بین نباشد بنظر ما باید بالسویه بین متوفی و صاحبان دیگر حساب قسمت شود (۳)

۱۰ - مشتری میتواند در شعب مختلف بانك حساب باز کند و از نظر طلب یا بدهی مثل اینستکه تمام آنرا

۱ - برای شرح توقیف دارائی مشتریان در بانك بشماره ... مجموعه حقوقی نگارش حسن رستار مراجعه شود.

۲ - بانكها برای هر کس بهراسم و نشانی که ترخواست کند حساب بازمی کنند و دفاتر او اوراق را بهمان نام ترتیب میدهند ولی اولاً احتیاطات های راجع به ویت صاحب حساب را بجزی داشته و ثانیاً نام اصلی او را در دفتر مخصوص ثبت میرسانند تا صاحب حساب نتواند بابت فریب محاکم یا دیگران شود.

۳ - در کشورهای دیگر در موارد مشابه از نظر دریافت مالیات بر ارث نیز موجودی حساب را بطور متساوی قسمت میکنند.

۱۷ - خرید و فروش ارز و فلزهای گرانبها به حساب مشتریان
 ۱۸ - خرید و فروش اوراق بهادار به حساب مشتریان
 ۱۹ - انجام کلیه عملیات مربوط به بزرگسالیها
 داریکه بمشتری تعلق دارد مانند تجدید برشها و تبدیل
 اوراق بانام به بینام و بالعکس و رسیدگی در قرعه کشیها و اوراق مستهلك شده و غیره
 ۲۰ - اقدام به بیمه کالاهای مشتریان و خارج کردن کالا از گمرکخانه ها و امثال آنها .
 ح . رستار

۱۷ - خرید و فروش ارز و فلزهای گرانبها به حساب مشتریان
 ۱۸ - خرید و فروش اوراق بهادار به حساب مشتریان
 ۱۹ - انجام کلیه عملیات مربوط به بزرگسالیها
 داریکه بمشتری تعلق دارد مانند تجدید برشها و تبدیل

اقامت ممنوع و اقامت اجباری

در حقوق جزاء مقایسه

III - آثار حقوقی اقامت ممنوع

در حقوق جزاء ایران و فرانسه

بطوریکه سابقاً مذکور شد امروزه منع از اقامت چه در قانون جزاء فرانسه و چه در قانون ایران مجازات محدود کننده آزادی محسوب میشود - محکوم علیه مجبور است در ظرف مدتیکه در حکم قید شده در محلهای ممنوعه دیده شود و بغیر از این تحدید آزادی مشارالیه در تنظیم و ترتیب امور زندگانی خود تقریباً کامل می باشد - این معنی را قسمت اخیر ماده ۱۶ قانون جزاء ایران بدین عبارت بیان میکند: « محکومین باین دو مجازات بدون مستحفظ به نقطه که ممنوع از اقامت در آنجا نیستند یا مجبور باقامت در آنجا می باشند در آنجا تحت نظر نخواهند بود . » اولین چیزیکه در این قسمت باید روشن شود عبارت از طرق تعیین محلهای ممنوعه می باشد.

بحث یکم

طرق تعیین محل یا محلهای ممنوعه

اگر قوانین کشورهای مختلفه را در تحت بررسی قرار دهیم خواهیم دید که ممکن است برای تعیین

محلهای ممنوعه سه طریقه زیر اتخاذ شود:
 ۱ - تعیین محل توسط قوه اجرائیه و یا بطور اخص توسط وزارت کشور .
 ۲ - توسط قوه قضائیه
 ۳ - توسط کمیسیون مختلط
 ۱ - تعیین محل توسط وزارت کشور
 این طریقه تا قبل از اصلاحات اخیر ۱۹۳۵ مسیحی در فرانسه معمول بوده و جزئیات آن بطور خلاصه شرح زیر است . وزیر کشور که ضامن عالیمقام احترام انتظامات عمومی می باشد صورتی از شهر های ممنوعه تهیه می نماید، این صورت که در تمام زندانها و محلهای کار بطور بخشنامه ابلاغ شده پانزده روز قبل از اتمام مجازات اصلی بمحکوم علیه اعلام میگردد و مشارالیه نباید در محلهای نامبرده در آن صورت توقیف یا اقامت نماید - این صورت محلهای دارای دو قسمت معین و متمایز می باشد، در قسمت اول که قسمت عمومی و چاپی است محلهائی قید میشود که بطور عموم شامل حال تمام ممنوعین از اقامت بلا استثنا و با قطع نظر از شخصیت محکوم و نوع محکومیت اصلی و مدت آن میباشد - اصولاً مراکز مهم و شهرهای بزرگ مثل پاریس، مارسی